

شناخت، رفتار، یادگیری

شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد

نور صباح جمعه جمعه^۱، محبوبه سادات فدوی^۲، فاضل کاظم حنون الهزاع^۳، بدری شاه طالبی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه واسط، واسط، عراق.

۴. استادیار، گروه مدیریت آموزش، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: MFadavi@iau.ac.ir

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جامعه پژوهش شامل معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد بود و مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند و ملاک‌محور انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه، داشتن حداقل پنج سال سابقه تدریس تاریخ باستان و تمایل به مشارکت در پژوهش بود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ معلم گردآوری شد و نمونه‌گیری تارسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و با استفاده از روش تحلیل محتوای هفت‌مرحله‌ای کالیزی تحلیل شدند. برای افزایش اعتبار داده‌ها از تعیین موضع پژوهشگر، بازنگری مشارکت‌کنندگان و همسوسازی یافته‌ها استفاده شد. از آنجا که پژوهش کیفی بود، آزمون‌های آماری استنباطی به کار نرفت؛ اما تحلیل استنباطی داده‌های مصاحبه نشان داد که روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان در شش مؤلفه اصلی شامل داستان‌سرایی و قصه‌گویی، نمایش و اجراء، فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، بازی و انگیزش، منابع چندرسانه‌ای و فناوری، و فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی-تجربی سازمان می‌یابد. این مؤلفه‌ها در قالب هفت کد مفاهیم اصلی و پنجاه کد اولیه طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان داد روش‌های ارتباطی، تعاملی و فعال، به‌ویژه داستان‌سرایی، ایفای نقش، کار گروهی، استفاده از منابع دیداری و فعالیت‌های پژوهش‌محور، بیشترین نقش را در افزایش درگیری یادگیرندگان و معنادار کردن یادگیری تاریخ باستان دارند. نتایج نشان می‌دهد که معلمان تاریخ باستان در بغداد، با وجود محدودیت‌های آموزشی و محیطی، از طیفی متنوع از روش‌های فعال، خلاقانه، فناورانه و تجربه‌محور استفاده می‌کنند. این یافته‌ها می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوی بومی تدریس تاریخ باستان، بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و تقویت آموزش‌های ضمن خدمت در زمینه روش‌های فعال و پژوهش‌محور باشد.

کلیدواژه‌گان: روش‌های تدریس؛ تاریخ باستان؛ معلمان؛ پدیدارشناسی توصیفی؛ تحلیل محتوای کالیزی؛ بغداد

شیوه استناددهی: صباح جمعه جمعه، نور، فدوی، محبوبه سادات، الهزاع، فاضل کاظم حنون، و شاه طالبی، بدری. (۱۴۰۵). شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد. شناخت، رفتار، یادگیری، ۱۶-۱.



Cognition, Behavior, Learning

Identifying Teaching Methods Used by Ancient History Teachers in the Second Stage of Secondary Schools in Baghdad

Noor Sabah Jumaah Jumaah¹, Mahboubeh Sadat Fadavi^{2*}, Fadhil Kadhim Hanoon Al-Hazza³, Badri Shahtalebi⁴

1. Phd Student, Department of Educational Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Associate Professor, Faculty of Educational Sciences, Wasit University, Wasit, Iraq

4. Assistant Professor, Department of Educational Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: MFadavi@iau.ac.ir

Submit Date: 2026-01-07

Revise Date: 2026-05-09

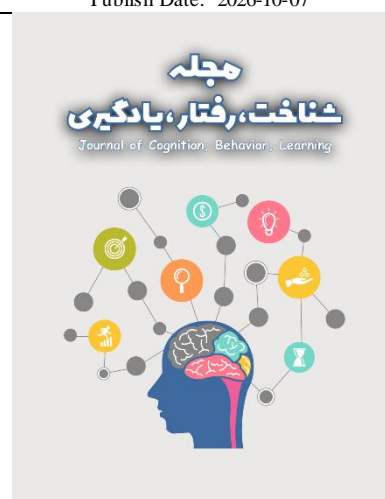
Accept Date: 2026-05-24

Publish Date: 2026-10-07

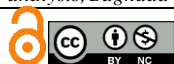
Abstract

This study aimed to identify the teaching methods used by Ancient History teachers in the second stage of secondary schools in Baghdad. This study was conducted using a qualitative approach and descriptive phenomenological design. The participants were Ancient History teachers working in the second stage of secondary schools in Baghdad. They were selected through purposive criterion-based sampling. The inclusion criteria were at least five years of teaching experience in Ancient History and willingness to participate in the study. Data were collected through semi-structured interviews with 20 teachers, and sampling continued until theoretical saturation was achieved. The interviews were recorded, transcribed verbatim, and analyzed using Colaizzi's seven-step content analysis method. Researcher reflexivity, member checking, and triangulation were used to enhance the credibility and trustworthiness of the findings. Since the study was qualitative, no statistical inferential tests were conducted; however, the interpretive analysis of interview data showed that teachers' instructional methods were organized into six main components: storytelling and narration, performance and enactment, group and collaborative activities, games and motivation, multimedia resources and technology, and research-based and experiential learning activities. These components were classified into seven overarching conceptual codes and 50 initial codes. The findings indicated that communicative, interactive, and active methods, particularly storytelling, role-playing, group work, visual resources, and research-oriented activities, played the most prominent role in increasing learner engagement and making Ancient History learning more meaningful. The findings indicate that Ancient History teachers in Baghdad, despite educational and environmental constraints, use a diverse range of active, creative, technology-based, and experiential teaching methods. These results can serve as a basis for developing a localized teaching model for Ancient History, revising teacher education programs, and strengthening in-service training focused on active, collaborative, and research-based instructional strategies.

Keywords: *teaching methods; Ancient History; teachers; descriptive phenomenology; Colaizzi content analysis; Baghdad*



How to cite: Sabah Jumaah Jumaah, N., Fadavi, M.S., Al-Hazza, F., Shahtalebi, B. (2026). Identifying Teaching Methods Used by Ancient History Teachers in the Second Stage of Secondary Schools in Baghdad. *Cognition, Behavior, Learning*, 4(3), 1-16.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

تاریخ به‌عنوان حافظه جمعی ملت‌ها و بستری برای شناخت ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی جوامع، همواره جایگاهی بنیادین در نظام‌های آموزشی داشته است. آموزش تاریخ صرفاً انتقال مجموعه‌ای از رویدادها و اطلاعات مربوط به گذشته نیست، بلکه فرآیندی برای پرورش تفکر تاریخی، تقویت هویت فرهنگی، افزایش توان تحلیل و ارتقای فهم انتقادی دانش‌آموزان از تحولات اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. در این میان، تاریخ باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نخستین بنیان‌های تمدن بشری، شکل‌گیری حکومت‌ها، نظام‌های فکری، ساختارهای اجتماعی و دستاوردهای فرهنگی انسان در این دوره پدید آمده‌اند. مطالعه تاریخ باستان به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ریشه‌های تمدن معاصر را بهتر درک کرده و میان گذشته و حال پیوندی معنادار برقرار کنند. به همین دلیل، آموزش مؤثر تاریخ باستان نیازمند روش‌هایی فراتر از انتقال سنتی محتوا و حفظ‌محوری است و باید زمینه‌ای برای درگیری ذهنی، تحلیل، تفسیر و مشارکت فعال یادگیرندگان فراهم سازد (Astorian, 2016; Burgos-Videla et al., 2025). در رویکردهای نوین آموزش تاریخ، تأکید اصلی بر آن است که دانش‌آموزان نه تنها دریافت‌کننده اطلاعات، بلکه مشارکت‌کننده در فرایند بازسازی و تفسیر رویدادهای تاریخی باشند. این نگرش، آموزش تاریخ را از قالب سخنرانی و انتقال خطی محتوا خارج کرده و به سوی یادگیری اکتشافی، مسئله‌محور و تحلیلی سوق داده است. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های فعال مانند تحلیل اسناد تاریخی، داستان‌سرایی، ایفای نقش، شبیه‌سازی وقایع تاریخی و یادگیری مشارکتی می‌تواند موجب افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان و تقویت تفکر انتقادی آنان شود (Burgos-Videla et al., 2025; Tirado-Olivares et al., 2023). در چنین شرایطی، نقش معلم تاریخ از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به تسهیل‌گر یادگیری، طراح تجربه‌های آموزشی و هدایت‌کننده تفکر تاریخی تغییر یافته است.

تحولات نظام‌های آموزشی در دهه‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که کیفیت تدریس بیش از هر زمان دیگری به توانایی معلمان در به‌کارگیری روش‌های خلاقانه و تعاملی وابسته شده است. مفهوم «معلم مؤثر» در ادبیات تربیتی معاصر، معلمی را توصیف می‌کند که افزون بر تسلط علمی، توانایی ایجاد محیط یادگیری پویا، تعامل مؤثر با دانش‌آموزان و طراحی فعالیت‌های یادگیری معنادار را داشته باشد (Ramita, 2024; Zarqouq & Belmehdi, 2019). در این چارچوب، روش تدریس دیگر صرفاً ابزار انتقال محتوا نیست، بلکه عامل اصلی شکل‌دهی تجربه یادگیری و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان به شمار می‌رود. معلمانی که از روش‌های متنوع مانند تدریس مشارکتی، بازی‌وارسازی، فناوری‌های آموزشی و یادگیری مبتنی بر تجربه استفاده می‌کنند، معمولاً در ایجاد انگیزه و تعمیق یادگیری موفق‌تر هستند (Bouhoush, 2021; Ramita, 2024). اهمیت این موضوع در آموزش تاریخ دوچندان است؛ زیرا محتوای تاریخی در صورت ارائه سنتی و مبتنی بر حفظیات، می‌تواند برای دانش‌آموزان خشک، انتزاعی و غیرجذاب جلوه کند. در مقابل، زمانی که معلم از روایت‌پردازی، نمایش، تصاویر تاریخی، منابع چندرسانه‌ای و فعالیت‌های گروهی بهره می‌گیرد، تاریخ به تجربه‌ای زنده و قابل لمس تبدیل می‌شود (Najafzadeh, 2022; Roumani et al., 2020). پژوهش‌های مربوط به تجربه زیسته معلمان نیز نشان می‌دهد که بسیاری از معلمان برای غلبه بر محدودیت‌های آموزشی و افزایش جذابیت کلاس، به تدریج روش‌های تدریس خلاقانه و بومی‌شده‌ای را توسعه می‌دهند که متناسب با شرایط فرهنگی و محیطی دانش‌آموزان است (Adabian et al., 2020; Sameti et al., 2022).

در حوزه آموزش تاریخ، استفاده از روش‌های فعال و تعاملی نه تنها موجب افزایش علاقه دانش‌آموزان می‌شود، بلکه توانایی تحلیل تاریخی و تفکر انتقادی آنان را نیز تقویت می‌کند. مطالعات جدید در زمینه آموزش علوم اجتماعی نشان داده‌اند که استفاده از روش تاریخی، تحلیل گفتمان تاریخی و فعالیت‌های مبتنی بر اسناد، می‌تواند درک دانش‌آموزان از علیت تاریخی و ارتباط میان رویدادها را بهبود بخشد (Astorian, 2016; Burgos-Videla et al., 2025). همچنین، آموزش تاریخ مبتنی بر خطا و تحلیل داده‌های یادگیری، به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین تربیت معلم، نقش مهمی در تقویت تفکر تاریخی و خودتنظیمی یادگیرندگان دارد (Tirado-Olivares et al., 2023). در این میان، معلمان تاریخ برای اجرای چنین رویکردهایی نیازمند مهارت‌های حرفه‌ای، خلاقیت آموزشی و توانایی استفاده از فناوری‌های نوین هستند.

پژوهش‌های مرتبط با تربیت معلم نشان داده‌اند که گذار از الگوی سنتی تدریس به الگوی معلم‌بازاندیش و پژوهشگر، یکی از الزامات آموزش معاصر است (Bouhoush, 2021). معلم‌بازاندیش، به جای تکرار روش‌های کلیشه‌ای، به‌طور مستمر عملکرد خود را ارزیابی کرده و روش‌های تدریس را متناسب با نیازهای دانش‌آموزان بازطراحی می‌کند. این مسئله به‌ویژه در درس تاریخ اهمیت دارد؛ زیرا آموزش تاریخ تنها انتقال داده‌های گذشته نیست، بلکه فرایندی برای پرورش آگاهی تاریخی و فهم اجتماعی محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر، تغییرات گسترده ناشی از گسترش فناوری‌های دیجیتال و تجربه آموزش مجازی، شیوه‌های تدریس را به‌طور چشمگیری تحت تأثیر قرار داده است. همه‌گیری کرونا موجب شد بسیاری از معلمان تاریخ برای نخستین بار به استفاده گسترده از ابزارهای مجازی، کلاس‌های آنلاین، ویدیوهای آموزشی و شبکه‌های اجتماعی روی آورند (Ebrahimi, 2021; Faraji et al., 2023). این تجربه اگرچه چالش‌های فراوانی برای نظام آموزشی ایجاد کرد، اما در عین حال زمینه‌ای برای بازاندیشی در روش‌های تدریس و استفاده از فناوری‌های نوین فراهم ساخت. مطالعات انجام‌شده درباره تجربه زیسته معلمان در دوران آموزش مجازی نشان داده‌اند که معلمان برای حفظ تعامل با دانش‌آموزان، ناچار به استفاده از روش‌های خلاقانه، چندرسانه‌ای و مشارکتی شدند (Adibmanesh, 2021; Hamidizadeh & Amiri, 2021). در آموزش تاریخ نیز استفاده از فیلم‌های مستند، پادکست‌های تاریخی، شبیه‌سازی‌های مجازی و بازدیدهای آنلاین از موزه‌ها توانست بخشی از محدودیت‌های آموزش حضوری را جبران کند (Faraji et al., 2023; Munoz et al., 2022). پژوهش‌های پساکرونا نشان می‌دهد که بسیاری از معلمان، حتی پس از بازگشت آموزش حضوری، همچنان از فناوری‌های آموزشی و روش‌های ترکیبی استفاده می‌کنند؛ زیرا این ابزارها موجب افزایش جذابیت کلاس و ارتقای مشارکت دانش‌آموزان می‌شوند (Munoz et al., 2022; Sabzeh, 2022). بنابراین، شناخت روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان تاریخ در شرایط معاصر می‌تواند تصویری روشن از تحول نقش معلم و شیوه‌های آموزش تاریخ ارائه دهد.

از سوی دیگر، تجربه زیسته معلمان نشان می‌دهد که کیفیت تدریس تنها به دانش تخصصی وابسته نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل حرفه‌ای، روانی، سازمانی و محیطی نیز قرار دارد. مطالعات مربوط به تجربه معلمان از عملکرد حرفه‌ای، فرسودگی شغلی و چالش‌های تدریس نشان داده‌اند که معلمان برای حفظ اثربخشی آموزشی ناچارند به‌طور مستمر روش‌های تدریس خود را تغییر داده و با شرایط جدید سازگار شوند (Bardel et al., 2019; Sameti et al., 2022). همچنین، پژوهش‌های مرتبط با درس پژوهی و یادگیری حرفه‌ای معلمان بیانگر آن است که تبادل تجربه، همکاری میان معلمان و بازنگری مستمر در شیوه‌های تدریس، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش منجر شود (Ghanbari, 2022; Salimi & Javidipour Khabaz, 2019; et al., 2019). در حوزه آموزش تاریخ، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا معلمان تاریخ اغلب با محدودیت منابع، کمبود امکانات چندرسانه‌ای و نگرش سنتی به تدریس مواجه‌اند. با این حال، تجربه‌های موفق نشان داده است که بسیاری از معلمان با بهره‌گیری از خلاقیت فردی و روش‌های تعاملی توانسته‌اند جذابیت درس تاریخ را افزایش دهند (Najafzadeh, 2022; Roumani et al., 2020). مطالعات انجام‌شده در مدارس حاشیه‌ای و مناطق دارای محدودیت فرهنگی و جغرافیایی نیز نشان می‌دهد که معلمان در مواجهه با شرایط دشوار، اغلب به روش‌های بومی و مشارکتی روی می‌آورند تا یادگیری را برای دانش‌آموزان معنادارتر سازند (Adabian et al., 2020). این یافته‌ها بیانگر آن است که روش تدریس، نه تنها بازتاب دانش حرفه‌ای معلم، بلکه نشان‌دهنده توانایی او در انطباق با شرایط محیطی و نیازهای یادگیرندگان است.

در کشور عراق، به‌ویژه شهر بغداد، آموزش تاریخ باستان اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا این کشور خاستگاه تمدن‌های کهن بین‌النهرین، سومر، بابل و آشور بوده و بخش مهمی از میراث فرهنگی جهان را در خود جای داده است. با وجود این ظرفیت عظیم تاریخی، نظام آموزشی عراق طی دهه‌های اخیر تحت تأثیر جنگ، بی‌ثباتی سیاسی، مشکلات اقتصادی و چالش‌های زیرساختی قرار گرفته و این وضعیت بر کیفیت آموزش تاریخ نیز تأثیر گذاشته است. در چنین شرایطی، شناخت روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان تاریخ باستان می‌تواند به درک بهتر وضعیت آموزش تاریخ و طراحی راهبردهای مؤثر برای ارتقای آن کمک کند. با وجود اهمیت این موضوع، بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های

اندکی به صورت مستقیم به شناسایی و تحلیل روش‌های تدریس معلمان تاریخ باستان پرداخته‌اند و بیشتر مطالعات موجود بر تجربه‌های عمومی معلمان، آموزش مجازی یا ویژگی‌های معلم مؤثر تمرکز داشته‌اند (Ebrahimi, 2021; Faraji et al., 2023; Ramita, 2024). بنابراین، خلأ پژوهشی قابل توجهی در زمینه شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان تاریخ باستان در مدارس متوسطه بغداد وجود دارد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد است.

روش‌شناسی

این مطالعه در چارچوب پارادایم تفسیری و با رویکرد کیفی انجام شد. برای دستیابی به درک عمیق‌تر از روش‌های تدریس و تجربه معلمان، از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده گردید، زیرا این روش به توصیف و تبیین تجربه‌های معلمان و معنا بخشیدن به آن‌ها کمک می‌کند. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد بودند که حداقل پنج سال سابقه تدریس داشتند. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با استفاده از تکنیک ملاک‌محور انجام شد و معیار ورود به مطالعه شامل داشتن حداقل پنج سال سابقه تدریس تاریخ باستان و تمایل به مشارکت در پژوهش بود. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و پس از انجام مصاحبه با ۲۰ معلم، اشباع نظری حاصل شد.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. مصاحبه‌ها در پاییز ۱۴۰۳ و با طرح پرسش‌های اصلی مانند «شما از چه روش تدریسی برای تدریس درس تاریخ باستان استفاده می‌کنید؟» و «به نظر شما چه عواملی در موفقیت تدریس تاریخ باستان نقش دارند؟» آغاز شد و با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، سوالات تکمیلی برای تعمیق داده‌ها ادامه یافت. مصاحبه‌ها با کسب رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شد. میانگین زمان هر مصاحبه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بود و مصاحبه‌ها در مکان‌های توافق‌شده و در فضایی آرام برگزار شد تا شرکت‌کنندگان بتوانند تجربه‌های خود را به صورت آزاد و بدون استرس بیان کنند.

ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. این مصاحبه‌ها در پاییز ۱۴۰۳ و با طرح پرسش‌های اصلی مانند «شما از چه روش تدریسی برای تدریس درس تاریخ باستان استفاده می‌کنید؟» و «به نظر شما چه عواملی در موفقیت تدریس تاریخ باستان نقش دارند؟» آغاز شد و با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، سوالات تکمیلی برای تعمیق داده‌ها ادامه یافت. مصاحبه‌ها با کسب رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شد. میانگین زمان هر مصاحبه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بود و مصاحبه‌ها در مکان‌های توافق‌شده و در فضایی آرام برگزار شد تا شرکت‌کنندگان بتوانند تجربه‌های خود را به صورت آزاد و بدون استرس بیان کنند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل هفت‌مرحله‌ای کلایزی مورد تحلیل قرار گرفتند.

اعتبار و اعتمادپذیری داده‌ها با اقتباس از معیارهای گوبا و لینکلن (۱۹۹۴) به روش‌های زیر تأمین شد:

تعیین موضع پژوهشگر^۱: با توجه به تجربه تدریس پژوهشگر در حوزه تاریخ و مطالعه عمیق مبانی نظری و پیشینه پژوهش، پژوهشگر در طول فرآیند تحقیق نسبت به موقعیت مطالعه و برداشت‌ها موضع‌گیری می‌کرد تا شفافیت و آگاهی از اثرات شخصی بر تحلیل داده‌ها افزایش یابد. بازنگری مشارکت‌کنندگان^۲: پس از کدگذاری و استخراج مضامین، خلاصه‌ای از یافته‌ها به پنج نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه شد تا صحت و دقت برداشت‌ها را ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح نمایند.

همسوسازی^۳: برای تقویت اعتبار یافته‌ها، نتایج تحلیل داده‌ها با شواهد و یافته‌های پژوهش‌های پیشین مرتبط با روش‌های تدریس تاریخ باستان و آموزش تاریخ در زمینه‌های مشابه (به‌ویژه در کشورهای دارای میراث تاریخی غنی و شرایط آموزشی مشابه) مقایسه و همسوسازی شد. این همسوسازی با هدف بررسی سازگاری و تعمیم‌پذیری نتایج و تأیید صحت تفسیرها انجام گردید.

¹ Reflexivity

² Member Checking

³ Triangulation

تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۷۸) انجام شد. هدف از تحلیل، استخراج و شناسایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد بود. مراحل تحلیل به شرح زیر انجام شد:

مرحله اول: مطالعه دقیق توصیفات

تمامی ۲۰ مصاحبه ضبط و کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند. پژوهشگر چندین بار متن هر مصاحبه را مطالعه کرد تا به درک کلی و جامع از تجربه‌های معلمان دست یابد و با فضای توصیفات آشنا شود.

مرحله دوم: استخراج عبارات مهم

عبارات و جملات کلیدی مرتبط با روش‌های تدریس و نحوه اجرای آن‌ها در کلاس از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این عبارات به‌عنوان کدهای اولیه محسوب شدند و در جداول جداگانه برای کدگذاری اولیه قرار گرفتند.

مرحله سوم: فرموله کردن معانی

معنای ضمنی و آشکار هر عبارت استخراج شده توسط پژوهشگر فرموله و بازنویسی شد تا مفاهیم اصلی هر عبارت مشخص گردد. در این مرحله، ۵۰ مفهوم اولیه شناسایی شد.

مرحله چهارم: دسته‌بندی در خوشه‌های موضوعی

مفاهیم اولیه بر اساس شباهت معنایی و کاربردی در خوشه‌های موضوعی گروه‌بندی شدند و به‌عنوان مفاهیم پایه طبقه‌بندی شدند.

مرحله پنجم: تشکیل مفاهیم فرعی (میانی)

مفاهیم پایه با توجه به ارتباط معنایی و کاربردی، در خوشه‌های بزرگ‌تر دسته‌بندی شدند تا مفاهیم فرعی مرتبط با روش‌های تدریس شکل گیرند.

مرحله ششم: تدوین مفاهیم نهایی

مفاهیم میانی در قالب مفاهیم نهایی و کلی‌تر تلفیق شدند تا ساختار نهایی روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان را نشان دهند.

مرحله هفتم: اعتباربخشی

برای اطمینان از صحت و دقت تحلیل، خلاصه‌ای از یافته‌ها و مفاهیم استخراج شده به پنج نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه شد تا صحت تطابق آن‌ها با تجربیاتشان را تأیید و در صورت لزوم اصلاح نمایند.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی (۱۹۷۸) انجام شد و منجر به استخراج ۵۰ کد اولیه مرتبط با روش‌های تدریس مورد استفاده معلمان درس تاریخ باستان گردید. در ادامه، فرآیند تحلیل و نتایج به تفصیل ارائه می‌شود.

جدول ۱. کدهای اولیه روش تدریس تاریخ باستان

ردیف	کد اولیه	نقل قول مرتبط	شماره مشارکت‌کننده
۱	استفاده از داستان‌سرایی	"وقتی تاریخ رو مثل داستان تعریف می‌کنم، بچه‌ها خیلی بیشتر درگیر می‌شن"	M۷
۲	قصه‌گویی جذاب	"قصه‌های تاریخی رو جذاب تعریف می‌کنم"	M۴
۳	روایت هیجان‌انگیز	"تاریخ رو هیجان‌انگیز تعریف می‌کنم"	M۷
۴	تعریف حماسه	"حماسه‌های تاریخی تعریف می‌کنم"	M۹
۵	استفاده از داستان‌های عاشقانه	"داستان‌های عاشقانه تاریخی تعریف می‌کنم"	M۱
۶	استفاده از نمایش	"نمایش خیلی کمک می‌کنه، بچه‌ها لذت می‌برن"	M۲
۷	ایفای نقش	"بچه‌ها نقش شخصیت‌های تاریخی رو بازی می‌کنن"	M۶

۸	استفاده از شبیه‌سازی	“شبیه‌سازی وقایع تاریخی می‌کنم”	M۸
۹	ساخت ماکت	“بچه‌ها ماکت بناهای باستانی می‌سازن”	M۷
۱۰	تهیه نمایشگاه	“نمایشگاه کوچک در کلاس برپا می‌کنم”	M۶
۱۱	استفاده از کاردستی	“کاردستی‌های مرتبط با تاریخ می‌سازیم”	M
۱۲	کار گروهی	“بچه‌ها رو به گروه تقسیم می‌کنم”	M۳
۱۳	بحث و گفتگو	“با بچه‌ها درباره تاریخ بحث می‌کنم”	M
۱۴	تدریس تیمی	“با همکارانم تیمی تدریس می‌کنم”	M۱
۱۵	ایجاد یادگیری تعاونی	“یادگیری تعاونی ایجاد می‌کنم”	M۰
۱۶	ایجاد رقابت سالم	“رقابت سالم بین بچه‌ها ایجاد می‌کنم”	M۶
۱۷	ارزشیابی همسالان	“بچه‌ها همدیگه رو ارزشیابی می‌کنن”	M۷
۱۸	استفاده از بازی	“بازی‌های آموزشی خیلی مؤثره”	M۴
۱۹	استفاده از بازی‌های رایانه‌ای	“بازی‌های کامپیوتری تاریخی استفاده می‌کنم”	M۷
۲۰	استفاده از گیمیفیکیشن	“بازی‌وارسازی در تدریس استفاده می‌کنم”	M۴
۲۱	برگزاری مسابقه	“مسابقه تاریخی برگزار می‌کنم”	M۲
۲۲	استفاده از ویدیو	“ویدیوهای مستند خیلی جذابه برای بچه‌ها”	M۶
۲۳	استفاده از فیلم	“فیلم‌های تاریخی نشون می‌دم”	M۲
۲۴	استفاده از پاورپوینت	“پاورپوینت تهیه می‌کنم”	M۵
۲۵	استفاده از اسلاید	“اسلایدهای تصویری نشون می‌دم”	M۵
۲۶	استفاده از نرم‌افزار آموزشی	“نرم‌افزارهای آموزشی استفاده می‌کنم”	M۲
۲۷	استفاده از واقعیت مجازی	“از فناوری واقعیت مجازی استفاده می‌کنم”	M۵
۲۸	استفاده از واقعیت افزوده	“فناوری واقعیت افزوده استفاده می‌کنم”	M۸
۲۹	استفاده از اپلیکیشن	“اپلیکیشن‌های آموزشی معرفی می‌کنم”	M۱
۳۰	استفاده از اینترنت	“از اینترنت برای تحقیق استفاده می‌کنم”	M
۳۱	استفاده از رسانه‌های اجتماعی	“از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنم”	M
۳۲	استفاده از وبسایت	“وبسایت‌های آموزشی معرفی می‌کنم”	M۶
۳۳	استفاده از کتابخانه دیجیتال	“کتابخانه دیجیتال معرفی می‌کنم”	M۲
۳۴	استفاده از پادکست	“پادکست‌های تاریخی پخش می‌کنم”	M
۳۵	استفاده از کتاب صوتی	“کتاب‌های صوتی پخش می‌کنم”	M۶
۳۶	استفاده از عکس	“عکس‌های باستانی نشون می‌دم”	M۴
۳۷	استفاده از نقشه	“نقشه‌های تاریخی استفاده می‌کنم”	M۰
۳۸	استفاده از نمودار	“نمودارهای زمانی رسم می‌کنم”	M۴
۳۹	استفاده از آثار هنری	“آثار هنری دوران باستان نشون می‌دم”	M۷
۴۰	استفاده از تابلو	“تابلوهای نقاشی نشون می‌دم”	M۸
۴۱	بازدید از موزه	“بچه‌ها رو به موزه می‌برم”	M
۴۲	تهیه پوستر	“بچه‌ها پوستر تهیه می‌کنن”	M۷
۴۳	تهیه نشریه	“نشریه کلاسی تهیه می‌کنیم”	M۰
۴۴	تهیه مقاله	“بچه‌ها مقاله می‌نویسن”	M۴
۴۵	پروژه تحقیقی	“پروژه‌هایی در مورد تمدن‌ها می‌دم”	M
۴۶	بررسی اسناد تاریخی	“اسناد تاریخی بررسی می‌کنیم”	M
۴۷	تدریس مبتنی بر مسئله	“تدریس مبتنی بر حل مسئله انجام می‌دم”	M۹
۴۸	تدریس مبتنی بر پژوهش	“تدریس مبتنی بر پژوهش انجام می‌دم”	M۸
۴۹	تدریس مبتنی بر تجربه	“تدریس مبتنی بر تجربه انجام می‌دم”	M۷
۵۰	تدریس میان‌رشته‌ای	“تدریس میان‌رشته‌ای انجام می‌دم”	M

روش تدریس شامل ۶ مؤلفه اصلی است که معلمان برای جذاب و مؤثر کردن تدریس تاریخ باستان از آنها استفاده می‌کنند.

(۱) مؤلفه داستان‌سرایی و قصه‌گویی

در این مؤلفه، معلمان با بهره‌گیری از داستان‌سرایی و روایت‌های جذاب، تلاش می‌کنند مفاهیم تاریخی را به شکلی زنده و قابل فهم ارائه دهند. نمونه نقل قول‌ها:

“وقتی تاریخ رو مثل داستان تعریف می‌کنم، بچه‌ها خیلی بیشتر درگیر می‌شن.” (مشارکت‌کننده ۷)

“قصه‌های عاشقانه تاریخی مثل داستان شیرین و فرهاد خیلی جذابه. بچه‌ها با این داستان‌ها بیشتر درگیر می‌شن و تاریخ برایشون زنده می‌شه.” (مشارکت‌کننده ۱۱)

(۲) مؤلفه نمایش و اجرا

این مؤلفه شامل روش‌هایی است که دانش‌آموزان را در نقش فعال یادگیری قرار می‌دهد، مانند نمایش، ایفای نقش، شبیه‌سازی و ساخت ماکت. نمونه نقل قول‌ها:

“نمایش خیلی کمک می‌کنه، بچه‌ها لذت می‌برن.” (مشارکت‌کننده ۱۲)

“بچه‌ها ماکت بناهای باستانی می‌سازن و نمایش اجرا می‌کنن، هم خودشون یاد می‌گیرن هم بقیه. این روش خیلی بهتر از تدریس سنتیه.” (مشارکت‌کننده ۱۷)

(۳) مؤلفه فعالیت‌های گروهی و مشارکتی

این مؤلفه نشان‌دهنده استفاده معلمان از کار گروهی، بحث و گفتگو، تدریس تیمی و یادگیری تعاونی است تا تعامل و مشارکت دانش‌آموزان افزایش یابد. نمونه نقل قول‌ها:

“بچه‌ها رو به گروه تقسیم می‌کنم.” (مشارکت‌کننده ۱۳)

“با همکارانم تیمی تدریس می‌کنم.” (مشارکت‌کننده ۱۱)

(۴) مؤلفه بازی و انگیزش

این مؤلفه شامل استفاده از بازی‌های آموزشی، بازی‌های رایانه‌ای، گیمیفیکیشن و مسابقه برای افزایش انگیزه و درگیری دانش‌آموزان است. نمونه نقل قول‌ها:

“بازی‌های آموزشی خیلی مؤثره.” (مشارکت‌کننده ۱۴)

“بازی‌های کامپیوتری تاریخی استفاده می‌کنم.” (مشارکت‌کننده ۷)

(۵) مؤلفه منابع چندرسانه‌ای و فناوری

معلمان در این مؤلفه از ابزارها و منابع فناوری‌محور مانند ویدیو، فیلم، پاورپوینت، نرم‌افزار آموزشی، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، اپلیکیشن‌ها و اینترنت استفاده می‌کنند. نمونه نقل قول‌ها:

“ویدیوهای مستند خیلی جذابه برای بچه‌ها.” (مشارکت‌کننده ۶)

“از فناوری واقعیت مجازی استفاده می‌کنم.” (مشارکت‌کننده ۵)

(۶) مؤلفه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی-تجربی

این مؤلفه شامل روش‌های پژوهشی و پروژه‌محور، تدریس مبتنی بر مسئله، تدریس مبتنی بر پژوهش، تدریس مبتنی بر تجربه و تدریس میان‌رشته‌ای است که به تعمیق یادگیری کمک می‌کند.

نمونه نقل قول‌ها:

“پروژه‌هایی در مورد تمدن‌ها می‌دم.” (مشارکت‌کننده ۳)

“تدریس مبتنی بر حل مسئله انجام می‌دم.” (مشارکت‌کننده ۱۹)

جدول ۲. مفاهیم فرعی (دسته اول) پدیدار شده و صورت بندی آن‌ها در قالب کد مفاهیم اصلی (فراگیر)

ردیف	کد مفاهیم اولیه	مفاهیم فرعی	کد مفاهیم اصلی (فراگیر)
۱	استفاده از داستان‌سرایی، قصه‌گویی جذاب، روایت هیجان‌انگیز، تعریف حماسه، استفاده از داستان‌های عاشقانه	داستان‌سرایی و روایت	روش‌های تدریس روایت‌محور
۲	استفاده از نمایش، ایفای نقش، استفاده از شبیه‌سازی، ساخت ماکت، تهیه نمایشگاه، استفاده از کاردستی	نمایش و اجرا	روش‌های تدریس نمایشی و فعال
۳	کار گروهی، بحث و گفتگو، تدریس تیمی، ایجاد یادگیری تعاونی، ایجاد رقابت سالم، ارزشیابی همسالان	یادگیری مشارکتی	روش‌های تدریس مشارکتی
۴	استفاده از بازی، استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، استفاده از گیمیفیکیشن، برگزاری مسابقه	بازی و سرگرمی آموزشی	روش‌های تدریس بازی‌محور
۵	استفاده از ویدیو، استفاده از فیلم، استفاده از پاورپوینت، استفاده از اسلاید، استفاده از نرم‌افزار آموزشی، استفاده از واقعیت مجازی، استفاده از واقعیت افزوده، استفاده از اپلیکیشن، استفاده از اینترنت، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، استفاده از وب‌سایت، استفاده از کتابخانه دیجیتال، استفاده از پادکست، استفاده از کتاب صوتی	فناوری و ابزار دیجیتال	روش‌های تدریس فناوری‌محور
۶	استفاده از عکس، استفاده از نقشه، استفاده از نمودار، استفاده از آثار هنری، استفاده از تابلو، بازدید از موزه، تهیه پوستر، تهیه نشریه، تهیه مقاله	منابع بصری و محیط یادگیری	روش‌های تدریس بصری و مکانی
۷	پروژه تحقیقی، بررسی اسناد تاریخی، تدریس مبتنی بر مسئله، تدریس مبتنی بر پژوهش، تدریس مبتنی بر تجربه، تدریس میان‌رشته‌ای	پژوهش و تحقیق	روش‌های تدریس پژوهش‌محور

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که معلمان درس تاریخ باستان در دوره دوم متوسطه شهر بغداد، برای افزایش اثربخشی تدریس و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، از مجموعه‌ای متنوع از روش‌های تدریس استفاده می‌کنند که در قالب شش مؤلفه اصلی شامل داستان‌سرایی و قصه‌گویی، نمایش و اجرا، فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، بازی و انگیزش، منابع چندرسانه‌ای و فناوری، و فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی-تجربی سازمان یافتند. این نتایج بیانگر آن است که تدریس تاریخ باستان در تجربه معلمان مورد مطالعه، صرفاً محدود به روش‌های سنتی سخنرانی و انتقال خطی اطلاعات نبوده، بلکه به سمت رویکردهای فعال، تعاملی و تجربه‌محور حرکت کرده است. چنین نتیجه‌ای با دیدگاه‌های جدید در حوزه آموزش تاریخ همخوانی دارد که بر ضرورت تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات به تسهیل‌گر یادگیری و هدایت‌کننده تفکر تاریخی تأکید می‌کنند (Astorian, 2016; Burgos-Videla et al., 2025). در واقع، معلمان شرکت‌کننده در این پژوهش تلاش کرده‌اند با استفاده از روش‌هایی مانند روایت‌پردازی، ایفای نقش، پروژه‌های گروهی و فناوری‌های آموزشی، تاریخ را از یک درس مبتنی بر حفظیات به تجربه‌ای زنده، معنادار و تحلیلی تبدیل کنند. این موضوع نشان می‌دهد که حتی در شرایط محدودیت منابع و چالش‌های آموزشی، معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از خلاقیت حرفه‌ای، محیط یادگیری پویاتری ایجاد کنند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش برجسته داستان‌سرایی و روایت در آموزش تاریخ باستان بود. معلمان بیان کردند که استفاده از قصه‌ها، حماسه‌ها و روایت‌های تاریخی موجب افزایش توجه، درگیری ذهنی و علاقه دانش‌آموزان به درس تاریخ می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های مرتبط با آموزش تاریخ و تفکر تاریخی همسو است؛ زیرا پژوهشگران تأکید کرده‌اند که روایت تاریخی، ابزاری مؤثر برای فهم روابط علی، درک زمینه‌های تاریخی و شکل‌گیری همدلی تاریخی در دانش‌آموزان است (Burgos-Videla et al., 2025; Tirado-Olivares et al., 2023). همچنین، مطالعه نجف‌زاده درباره تجربه زیسته یک دبیر تاریخ نشان داد که استفاده از روایت‌های جذاب و روش‌های خلاقانه، نقش

مهمی در افزایش جذابیت درس تاریخ دارد (Najafzadeh, 2022). یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که داستان‌سرایی نه تنها ابزار انتقال محتوا، بلکه روشی برای ایجاد ارتباط عاطفی میان دانش‌آموزان و گذشته تاریخی است. این نتیجه با دیدگاه‌های مربوط به معلم مؤثر نیز همخوانی دارد؛ زیرا معلم مؤثر کسی است که بتواند محتوای درسی را به تجربه‌ای معنادار و قابل لمس تبدیل کند (Ramita, 2024; Zarqouq & Belmehdi, 2019). در این پژوهش، معلمان از روایت‌های عاشقانه، حماسی و هیجان‌انگیز برای زنده کردن فضای تاریخی استفاده می‌کردند و این امر نشان‌دهنده نقش تخیل و روایت در یادگیری تاریخ است.

یافته دیگر پژوهش حاضر، اهمیت روش‌های نمایشی و اجرایی در تدریس تاریخ باستان بود. معلمان از نمایش، ایفای نقش، شبیه‌سازی وقایع تاریخی و ساخت ماکت به‌عنوان ابزارهایی برای فعال‌سازی یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌کردند. این نتایج نشان می‌دهد که آموزش تاریخ زمانی اثربخش‌تر است که دانش‌آموزان در نقش بازیگران فعال فرایند یادگیری قرار گیرند و صرفاً شنونده نباشند. این یافته با نتایج پژوهش Astorian درباره تدریس مبتنی بر اسناد و فعالیت‌های مشارکتی در آموزش تاریخ همخوانی دارد (Astorian, 2016). همچنین، مطالعات مربوط به تربیت معلم و یادگیری مبتنی بر تجربه نشان داده‌اند که فعالیت‌های اجرایی و تعاملی، موجب افزایش یادگیری عمیق و ماندگاری مفاهیم می‌شوند (Bouhoush, 2021). از سوی دیگر، استفاده از نمایش و ایفای نقش با اصول یادگیری فعال و ساختن‌گرایی نیز همسو است؛ زیرا در این رویکردها، یادگیری از طریق تجربه مستقیم، تعامل و بازسازی معنا صورت می‌گیرد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که معلمان تاریخ باستان در بغداد، حتی بدون دسترسی گسترده به امکانات پیشرفته آموزشی، تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از فعالیت‌های اجرایی، فضای کلاس را از حالت منفعل خارج کنند. این یافته همچنین با پژوهش‌های مرتبط با تجربه زیسته معلمان در شرایط دشوار همخوان است که نشان می‌دهند معلمان برای جبران محدودیت‌ها، به روش‌های خلاقانه و مشارکتی روی می‌آورند (Adabian et al., 2020; Sameti et al., 2022).

در بخش دیگری از یافته‌ها، نقش فعالیت‌های گروهی و مشارکتی در تدریس تاریخ باستان برجسته بود. معلمان از کار گروهی، بحث و گفت‌وگو، یادگیری تعاونی و ارزشیابی همسالان استفاده می‌کردند تا تعامل و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهند. این یافته با مطالعات مربوط به یادگیری مشارکتی و نقش تعامل اجتماعی در یادگیری همخوانی دارد. پژوهش‌های مرتبط با درس‌پژوهی و تجربه معلمان نشان داده‌اند که یادگیری زمانی عمیق‌تر و پایدارتر می‌شود که دانش‌آموزان در فرایند تولید و تبادل دانش مشارکت داشته باشند (Ghanbari et al., 2019; Salimi & Javidipour Khabaz, 2022). همچنین، پژوهش‌های حوزه آموزش تاریخ تأکید می‌کنند که گفت‌وگو و تحلیل گروهی رویدادهای تاریخی، به تقویت مهارت‌های استدلال، تحلیل و تفکر انتقادی کمک می‌کند (Burgos-Videla et al., 2025). یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که معلمان تاریخ باستان، با تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگو، تلاش می‌کنند تاریخ را به بستری برای تعامل فکری و یادگیری اجتماعی تبدیل کنند. این موضوع نشان‌دهنده فاصله گرفتن از الگوی سنتی تدریس مبتنی بر سخنرانی و حرکت به سوی الگوی یادگیری فعال و دانش‌آموزمحور است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که بازی، رقابت سالم و بازی‌وارسازی از جمله روش‌هایی هستند که معلمان برای افزایش انگیزش دانش‌آموزان به کار می‌گیرند. استفاده از بازی‌های آموزشی، مسابقه و حتی بازی‌های رایانه‌ای تاریخی، نشان‌دهنده توجه معلمان به ابعاد انگیزشی یادگیری است. این نتیجه با مطالعات مربوط به آموزش خلاق و فناوری‌محور همسو است که تأکید می‌کنند عناصر بازی و سرگرمی می‌توانند موجب افزایش مشارکت، تمرکز و اشتیاق دانش‌آموزان شوند (Sabzeh & Hosseini Kamyab, 2022; Tirado-Olivares et al., 2023). در واقع، بازی‌وارسازی موجب می‌شود یادگیری تاریخ از حالت خشک و رسمی خارج شده و به تجربه‌ای جذاب و هیجان‌انگیز تبدیل شود. این یافته همچنین با نتایج پژوهش‌های مربوط به تجربه زیسته معلمان در فضای مجازی هماهنگ است؛ زیرا بسیاری از معلمان برای حفظ توجه دانش‌آموزان در آموزش آنلاین، از بازی‌ها و روش‌های انگیزشی استفاده کرده‌اند (Adibmanesh, 2021; Faraji et al., 2021).

2023). بنابراین، می‌توان گفت استفاده از بازی و عناصر انگیزشی در آموزش تاریخ، نه تنها یک ابزار سرگرم‌کننده، بلکه راهبردی برای تعمیق یادگیری و افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان است.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش حاضر، استفاده گسترده معلمان از منابع چندرسانه‌ای و فناوری‌های آموزشی بود. معلمان از ویدیو، فیلم، پاورپوینت، نرم‌افزارهای آموزشی، اینترنت، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و رسانه‌های اجتماعی برای تدریس تاریخ باستان استفاده می‌کردند. این یافته نشان‌دهنده تأثیر تحول دیجیتال و تجربه آموزش مجازی بر شیوه‌های تدریس معلمان است. پژوهش‌های انجام‌شده در دوران پسا کرونا نشان داده‌اند که بسیاری از معلمان پس از تجربه آموزش مجازی، استفاده از فناوری‌های آموزشی را به بخشی از روش تدریس خود تبدیل کرده‌اند (Faraji et al., 2023; Munoz et al., 2022). همچنین، پژوهش‌های مرتبط با تجربه معلمان در دوران کرونا نشان می‌دهد که فناوری نه تنها ابزار انتقال محتوا، بلکه بستری برای تعامل، خلاقیت و حفظ پیوستگی یادگیری بوده است (Ebrahimi, 2021; Hamidizadeh & Amiri Charmahini, 2021). یافته‌های پژوهش حاضر نیز تأیید می‌کند که معلمان تاریخ باستان در بغداد، با وجود محدودیت‌های زیرساختی، از فناوری برای جذاب‌تر و عینی‌تر کردن آموزش تاریخ استفاده می‌کنند. استفاده از واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در تدریس تاریخ، به‌ویژه در بازنمایی تمدن‌های باستانی، نشان می‌دهد که معلمان به سمت روش‌های نوین و تجربه‌محور حرکت کرده‌اند. این نتیجه با دیدگاه‌های نوین تربیت معلم که بر معلم‌بازاندیش و فناورانه تأکید دارند نیز همخوانی دارد (Bouhoush, 2021).

در نهایت، یافته‌های مربوط به فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی-تجربی نشان داد که برخی معلمان از پروژه‌های تحقیقی، تحلیل اسناد تاریخی، تدریس مبتنی بر مسئله و تدریس میان‌رشته‌ای استفاده می‌کنند. این یافته نشان می‌دهد که آموزش تاریخ در تجربه این معلمان، تنها به حفظ وقایع تاریخی محدود نیست، بلکه بر پرورش مهارت‌های پژوهش، تحلیل و حل مسئله نیز تأکید دارد. این نتیجه با مطالعات مربوط به تفکر تاریخی و آموزش مبتنی بر پژوهش همسو است (Astorian, 2016; Tirado-Olivares et al., 2023). همچنین، پژوهش‌های حوزه آموزش معلمان نشان داده‌اند که استفاده از پروژه‌های پژوهشی و فعالیت‌های مسئله‌محور می‌تواند استقلال فکری و مهارت‌های تحلیلی دانش‌آموزان را تقویت کند (Ghanbari et al., 2019; Salimi & Javidipour Khabaz, 2022). به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که معلمان تاریخ باستان در بغداد، با وجود چالش‌های محیطی و محدودیت‌های آموزشی، تلاش می‌کنند از ترکیبی از روش‌های فعال، خلاقانه، فناورانه و پژوهش‌محور برای ارتقای کیفیت یادگیری استفاده کنند. این نتایج بیانگر آن است که آموزش تاریخ در حال حرکت از الگوی حافظه‌محور به سمت الگوی تفکر تاریخی، مشارکت فعال و یادگیری تجربه‌محور است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به معلمان دوره دوم متوسطه شهر بغداد اشاره کرد که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر شهرها و مقاطع تحصیلی محدود سازد. همچنین، داده‌های پژوهش بر اساس مصاحبه و تجربه زیسته معلمان گردآوری شد و امکان دارد برخی مشارکت‌کنندگان در بیان تجربیات خود جانب احتیاط را رعایت کرده باشند. محدودیت زمانی و دشواری دسترسی به برخی مدارس نیز از دیگر چالش‌های پژوهش بود. علاوه بر این، پژوهش حاضر صرفاً دیدگاه معلمان را بررسی کرد و دیدگاه دانش‌آموزان یا مدیران مدارس در تحلیل نتایج لحاظ نشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، روش‌های تدریس تاریخ باستان در سایر مقاطع تحصیلی و مناطق جغرافیایی عراق نیز مورد بررسی قرار گیرد تا امکان مقایسه و تعمیم نتایج فراهم شود. همچنین، انجام پژوهش‌های ترکیبی و کمی برای سنجش میزان اثربخشی هر یک از روش‌های تدریس شناسایی شده می‌تواند به غنای ادبیات پژوهش کمک کند. بررسی دیدگاه دانش‌آموزان درباره جذاب‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های تدریس تاریخ نیز می‌تواند تصویر جامع‌تری از فرایند یادگیری ارائه دهد. علاوه بر این، مطالعه نقش فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی و هوش مصنوعی در آموزش تاریخ باستان، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای پژوهش‌های آینده ایجاد کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت، توجه بیشتری به آموزش روش‌های فعال، مشارکتی و فناورانه در تدریس تاریخ داشته باشند. همچنین، مدارس باید امکانات لازم برای استفاده از فناوری‌های آموزشی، منابع

چند رسانه‌ای و فعالیت‌های پژوهش‌محور را در اختیار معلمان قرار دهند. طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر تفکر تاریخی، تحلیل اسناد و یادگیری تجربه‌محور نیز می‌تواند به افزایش کیفیت آموزش تاریخ کمک کند. افزون بر این، حمایت از خلاقیت معلمان و ایجاد فرصت برای تبادل تجربه‌های موفق تدریس، می‌تواند زمینه ارتقای یادگیری دانش‌آموزان و جذاب‌تر شدن درس تاریخ را فراهم سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

History education plays a fundamental role in shaping cultural identity, strengthening historical consciousness, and developing critical and analytical thinking among students. Among the various branches of historical studies, Ancient History occupies a unique position because it introduces learners to the origins of civilizations, early political systems, social structures, religious beliefs, and intellectual traditions that laid the foundations of the modern world. Teaching Ancient History effectively, however, requires more than the simple transmission of chronological information and memorization of historical events. Contemporary educational perspectives emphasize that history teaching should engage learners in interpretation, inquiry, reflection, and analysis rather than passive reception of facts. In this regard, the role of the teacher becomes central because teachers determine how historical knowledge is transformed into meaningful learning experiences within the classroom (Astorian, 2016; Burgos-Videla et al., 2025). Recent approaches to history education stress the importance of historical thinking, document analysis, collaborative learning, and inquiry-based teaching as effective ways to deepen students' understanding of the past and strengthen their ability to connect historical events to contemporary realities (Tirado-Olivares et al., 2023). These approaches redefine the history teacher from a transmitter of information to a facilitator of dialogue, interpretation, and reflective learning.

The concept of the effective teacher in modern educational thought highlights the importance of creativity, flexibility, communication skills, and the ability to design active learning environments (Ramita, 2024; Zarqouq & Belmehdi, 2019). Effective teachers are expected to move beyond traditional lecture-centered instruction and employ methods that increase students' engagement, curiosity, and participation. In history classrooms, this issue is especially important because historical content can easily become abstract, monotonous, and disconnected from students' lived experiences if taught solely through conventional methods. Studies have shown that storytelling, role-playing, collaborative discussion, simulations, and multimedia resources significantly improve students' motivation and comprehension in history education (Najafzadeh, 2022; Roumani et al., 2020). Furthermore, research on teachers' lived experiences indicates that many educators gradually develop localized and creative teaching strategies in response to classroom challenges and contextual limitations (Adabian et al., 2020; Sameti et al., 2022). These findings suggest that teaching methods are deeply connected to teachers' professional identity, classroom realities, and educational environment.

The expansion of digital technologies and the educational transformations caused by the Coronavirus pandemic have also reshaped teaching practices across the world. During and after the pandemic, many teachers integrated digital tools, online resources, and multimedia technologies into their instructional practices in order to maintain student engagement and ensure continuity of learning (Ebrahimi, 2021; Faraji et al., 2023). Research conducted in post-pandemic educational contexts demonstrates that teachers increasingly rely on videos, virtual platforms, online discussions, and digital applications even after returning to face-to-face instruction (Munoz et al., 2022). Studies examining teachers' lived experiences during virtual education have

similarly emphasized the role of creativity and technological adaptation in maintaining educational effectiveness (Adibmanesh, 2021; Hamidizadeh & Amiri Charmahini, 2021). In history education specifically, multimedia tools such as documentaries, virtual museum visits, podcasts, and digital storytelling have become valuable resources for making historical events more vivid and accessible. In addition, teacher education studies have emphasized the importance of reflective practitioners who continuously evaluate and redesign their teaching methods according to students' needs and educational changes (Bouhoush, 2021). Despite the recognized importance of teaching methods in history education, limited research has specifically explored the teaching practices used by Ancient History teachers in Iraqi secondary schools. Considering Iraq's rich historical heritage and its significance as the cradle of ancient Mesopotamian civilizations, understanding the teaching methods employed by history teachers is particularly important. Therefore, the present study aimed to identify the teaching methods used by Ancient History teachers in the second stage of secondary schools in Baghdad.

Methods and Materials

This study was conducted within the interpretive paradigm using a qualitative approach and descriptive phenomenological methodology. The purpose of employing phenomenology was to obtain an in-depth understanding of the lived experiences of Ancient History teachers regarding the teaching methods they use in secondary school classrooms. The participants consisted of Ancient History teachers working in the second stage of secondary schools in Baghdad. Participants were selected through purposive criterion-based sampling. The inclusion criteria required participants to have at least five years of teaching experience in Ancient History and willingness to participate in the study.

Sampling continued until theoretical saturation was achieved, which occurred after interviewing twenty teachers. Data were collected through semi-structured interviews conducted during the autumn semester of 2025. Interviews began with broad guiding questions such as "What teaching methods do you use for teaching Ancient History?" and "What factors contribute to successful history teaching?" Additional probing questions were asked to deepen the discussion and clarify participants' experiences. Each interview lasted between sixty and ninety minutes and was conducted in a calm and mutually agreed setting to encourage participants to share their experiences openly and comfortably. All interviews were audio-recorded with participants' consent and transcribed verbatim for analysis.

The collected data were analyzed using Colaizzi's seven-step phenomenological analysis method. First, all interview transcripts were read repeatedly to obtain a comprehensive understanding of participants' experiences. Second, significant statements related to teaching methods were extracted from the interviews. Third, meanings were formulated from these statements and organized into initial concepts. Fourth, similar concepts were grouped into thematic clusters. Fifth, related thematic categories were integrated into broader subthemes. Sixth, final overarching themes representing the structure of teaching methods were developed. Finally, the findings were validated through member checking by presenting summaries of extracted themes to several participants for confirmation and feedback. Credibility and trustworthiness were further enhanced through reflexivity, triangulation, and comparison with previous educational studies.

Findings

The qualitative data analysis resulted in the extraction of fifty initial codes related to teaching methods used by Ancient History teachers. These initial codes were subsequently organized into seven comprehensive conceptual categories and six major components representing the dominant teaching approaches employed in the classrooms. The findings demonstrated that teachers relied on a diverse combination of traditional, interactive, technological, and experiential teaching methods in order to make Ancient History lessons more engaging and meaningful for students.

The first major component was storytelling and narration. Teachers reported using historical stories, emotional narratives, epics, and dramatic descriptions to increase students' interest and involvement in historical topics. Participants emphasized that students became more attentive and emotionally connected to historical content when lessons were presented in narrative form rather than through direct lecturing. Teachers described storytelling as a powerful strategy for transforming abstract historical events into vivid and relatable experiences.

The second component involved performance and enactment methods. Teachers used role-playing, classroom performances, simulations of historical events, model construction, exhibitions, and handicrafts to encourage active participation. According to participants, these methods allowed students to experience historical concepts more concretely and increased both enjoyment and retention of learning materials. Students were often assigned roles representing historical figures or civilizations, which encouraged empathy and deeper understanding of historical contexts.

The third component consisted of group and collaborative activities. Teachers organized classroom discussions, cooperative learning activities, peer evaluations, and team teaching strategies to promote interaction among students. Collaborative approaches enabled learners to exchange perspectives, discuss historical interpretations, and participate actively in classroom dialogue. Teachers believed that such methods improved critical thinking and strengthened communication skills.

The fourth component focused on games and motivation. Educational games, competitions, gamification strategies, and historical computer games were frequently mentioned as tools for increasing motivation and reducing classroom monotony. Teachers explained that integrating playful elements into instruction significantly enhanced students' enthusiasm and participation in learning activities.

The fifth component was multimedia resources and technology. Participants reported extensive use of documentaries, films, PowerPoint presentations, educational software, virtual reality, augmented reality, online resources, social media, digital libraries, podcasts, and audiobooks. Teachers indicated that these technologies helped visualize historical events, simplify complex concepts, and create more dynamic learning environments.

The sixth component involved research-based and experiential learning activities. Teachers assigned research projects, encouraged historical document analysis, implemented problem-based learning, and integrated interdisciplinary teaching approaches. These methods were described as effective in developing students' analytical abilities, inquiry skills, and independent learning capacities. Overall, the findings revealed that communicative, interactive, and student-centered teaching methods had the greatest perceived impact on students' engagement and understanding of Ancient History.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that Ancient History teachers in Baghdad rely on a broad spectrum of active, creative, and student-centered teaching methods rather than depending exclusively on traditional lecture-based instruction. The emergence of six major components indicates that teachers attempt to transform history education into an interactive and meaningful learning experience despite educational and environmental limitations. Storytelling and narration appeared as one of the most dominant methods because teachers believed that historical narratives emotionally engage students and make historical content more understandable and memorable. Similarly, performance-based methods such as role-playing and simulations reflected teachers' efforts to move students from passive listeners to active participants in the learning process. Collaborative learning activities further highlighted the importance of dialogue, interaction, and collective interpretation in history education.

The findings also reveal the growing importance of motivational and technological dimensions in contemporary history teaching. Teachers' use of games, competitions, and gamification strategies suggests

that increasing student motivation has become a central concern in classroom practice. Likewise, the extensive integration of multimedia tools and digital technologies demonstrates the influence of technological transformation and post-pandemic educational changes on teachers' instructional approaches. The use of videos, virtual reality, online resources, and digital applications indicates that teachers increasingly recognize technology as a means of enriching historical understanding and making lessons more engaging. Furthermore, the inclusion of research-based and experiential learning activities shows that some teachers are moving toward inquiry-oriented and analytical models of instruction that encourage students to investigate, interpret, and critically analyze historical events.

Overall, the results suggest that Ancient History teachers in Baghdad are gradually shifting from content-centered and memorization-based instruction toward participatory, reflective, and experience-oriented teaching approaches. These methods not only increase students' engagement but also contribute to the development of historical thinking, analytical reasoning, and critical interpretation skills. The findings also indicate that teachers' creativity and adaptability play a crucial role in overcoming educational challenges and resource limitations. Therefore, the experiences identified in this study can provide a valuable foundation for improving history education, designing teacher training programs, and developing localized instructional models for Ancient History teaching in secondary schools.

References

- Adabian, M., Sajjadi, S. M., & Talaei, E. (2020). Analyzing the Lived Experiences of Teachers in Marginal Schools (Culturally and Geographically) of Marginalized Students. *Research in Curriculum Planning (Knowledge and Research in Educational Sciences: Curriculum Planning)*, 17(40), 21-36. <https://sid.ir/paper/380868/fa>
- Adibmanesh, M. (2021). Lived Experiences of Primary and Secondary School Teachers of Teaching Challenges and Solutions for Empowering Teachers to Teach in Virtual Space. *Research in Curriculum Planning (Knowledge and Research in Educational Sciences: Curriculum Planning)*, 18(43), 60-75. <https://sid.ir/paper/957305/fa>
- Astorian, L. B. (2016). *Implementing Document-Based Lessons in High School Classrooms: A Case Study of World History Teachers' Perspectives and Practices* [Kennesaw State University]. DigitalCommons@Kennesaw State University
- Bardel, M., Madadlou, G., Hosseinpour, N., & Valizadeh, M. (2019). Examining Teachers' Lived Experiences of Job Burnout: A Phenomenological Study. *Teacher Professional Development*, 4(2), 1-14. <https://sid.ir/paper/269616/fa>
- Bouhoush, W. (2021). Teacher Training from the Traditional Model to the Reflective Practitioner in Practice. *Professor Forum*, 17(1), 77-95. <https://asjp.cerist.dz/en/article/171446>
- Burgos-Videla, C., Parada-Ulloa, M., & Martinez-Diaz, J. (2025). Critical Thinking in the Classroom: The Historical Method and Historical Discourse as Tools for Teaching Social Studies. *Frontiers in Sociology*, 10, 1526437.
- Ebrahimi, A. (2021). Lived Experience: Coronavirus and Teaching History. *Research in History Education*, 2(6), 87-103. <https://sid.ir/paper/951862/fa>
- Faraji, Z., Amiri, A., & Qadermarzi, H. (2023). *Analyzing Virtual Education in History Lessons from the Perspective of History Teachers* Fourth National Conference on History Education, Khorramabad. <https://civilica.com/doc/2033420> <https://civilica.com/doc/2033420>
- Ghanbari, M., Nikbakht, B., & Nikkhah, M. (2019). An Exploration of Lesson-Study Teachers' Experiences in Experimental Sciences: A Phenomenological Inquiry. *Theory and Practice in Teacher Education (New Strategies in Teacher Education)*, 5(7), 23-43. <https://sid.ir/paper/269666/fa>
- Hamidizadeh, K., & Amiri Charmahini, Z. (2021). Analyzing the Lived Experiences of Farhangian University Student-Teachers of Internship during the Coronavirus Period. *Teacher Education Policy Studies (Research in Teacher Education)*, 4(4), 41-61. <https://sid.ir/paper/412326/fa>
- Munoz, C., Torres, B., Martinez, R., & Carrillo, O. (2022). Teaching History in a Post-Pandemic World: The Perceptions of Teachers on Training. *Frontiers in Education*, 7, 866731.
- Najafzadeh, A. (2022). The Lived Experience of a Teacher in Increasing the Attractiveness of History Lessons. *Research in History Education*, 3(2), 60-74.
- Ramita, T. (2024). The Effective Teacher and Methods of Preparation in Modern Educational Thought. *Journal of Social Studies and Research*, 11(3), 114-127. <https://asjp.cerist.dz/en/article/240972>
- Roumani, S., Talari, M., & Sepahvand, E. (2020). Identifying History Teachers' Teaching Experiences: A Phenomenological Approach. *Modern Educational Research*, 6(21), 12-16.

- Sabzeh, B., & Hosseini Kamyab, F. (2022). Lived Experiences of First-Cycle Primary School Teachers Regarding Creative Teaching Methods in Virtual Education. *Teaching Research*, 10(1), 206-236. <https://doi.org/10.34785/J012.2022.009>
- Salimi, S., & Javidipour Khabaz, M. (2022). Representing Teachers' Experiences of Opportunities and Challenges in the Lesson Study Process: A Case Study of Primary School Teachers in Bajestan County. *Educational Sciences*, 29(2), 169-188. <https://doi.org/10.22055/edus.2022.41027.3371>
- Sameti, N., Emamgholivand, F., & Afzali, S. (2022). Teachers' Lived Experience of Factors Affecting and Barriers to Their Professional Performance. *Qualitative Research in Curriculum*, 4(13), 72-104. <https://doi.org/10.22054/qric.2023.70177.355>
- Tirado-Olivares, S., Cozar-Gutierrez, R., Lopez-Fernandez, C., & Gonzalez-Calero, J. A. (2023). Training Future Primary Teachers in Historical Thinking through Error-Based Learning and Learning Analytics. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 44.
- Zarqouq, S., & Belmehdi, F. (2019). The Role and Characteristics of the Contemporary Effective Teacher in Teaching Experimental Sciences and Mathematics. *Didactiques*, 8(1), 196-211. <https://asjp.cerist.dz/en/article/91145>